هجرت و جهاد

بسم الله الرحمن الرحیم

... حالا نگرانی از این جهت که این جلوتر واقع شده نداریم، یک یادآوری بکنیم که اینجا به نوعی این یادآوری ما حالا پیش یادآوری است . قبل اینکه خودش رو ذکر بکنیم داریم درموردش یادآوری می کنیم . دو تا نکته ، دوتا تذکر قبل از ورود به بحث هجرت و جهاد : یک ) اینکه عبادت و دعا و تکالیفی که به دوش ما گذاشته شده یا فردی است یا اجتماعی . که إن شاءالله هفته ی آینده بحث می کنیم که اینکه فردی ست درعین حال اجتماعیه و اینکه اجتماعی ست در عین حال فردیه . خب آیا درمقام انجام تکالیف فردی و اجتماعی انحرافی مارو تهدید می کنه ؟ بله . هم انحراف در تکالیف فردی مارو تهدید میکنه و هم در تکالیف اجتماعی . به چه معنا ؟ إن شاءالله عرض خواهد شد . این رو فعلا داشته باشید که تکالیف ما در قالب عبادت و دعا دو جورن و انحراف هم همینطور . دو) دوباره یادآوری می کنیم آزادی چی بود . عدم مانع در راه رشد . که وقتی می خوایم به هجرت و جهاد برسیم با این معنا دوباره چه کارداریم ؟ دوباره می خوایم ورود کنیم و همین مفهوم رو در هجرت و جهاد بازیابی کنیم . ببینیم آزادی کجای هجرت و جهاد جای می گیره . تحقق اهداف دین اسلام در حوزه اجتماعی مبتنی بر دو پایه هجرت و جهاده. خب چه جوری اسلام اهداف خودش رو در حوزه ی اجتماعی بر پایه ی این دو گذاشته ؛ ما گفتیم که انسان برای رسیدن به رشد خودش تربیت می خواهد ، امنیت می خواهد و آزادی می خواهد . برای اینکه در حوزه ی اجتماعی مابتونیم حرکت بکنیم محتاج چییم ؟ محتاج آزادی هستیم . با این فرض که تربیت و امنیت رو داریم . خب حالا ربط آزادی با هجرت و جهاد چیه . چرا اسلام روی این دوتا اینقدر تأکید کرده ؟ مقدمه و نتیجه رو دقت کنید : برای اسلام رشد انسان اصل است. (اونهایی که دارید می نویسید حواستون به این باشه چون خورد خورد پیش می ریم حالا نمی خواد همشو بنویسید کم کم همین جوری با هم پیش می ریم یاد داشت کنید ) رشد انسان در اسلام اصل است . از کجا میگید این رو ؟ کجا گفته باید رشد کنید ؟ - وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون . خب این إلا لیعبدون حدش چیه ؟ یعنی مثلا یه جایی ما وایسیم مثلا ما امروز عبادت کردیم بسه دیگه مثلا فردا نیازی به عبادت نداریم . – لیعبدون استمراریه . – استمراریه . مؤید بگیریم از قرآن . سوره مبارکه جن آیه شریفه 14 . میگه : فمن أسلم ( حافظ قرآن داشتیم اینجا یکی دوتا نه ؟ ) چیه ؟ سوره مبارکه جن آیه شریفه 14. ( نیومدن حافظا؟ باز الان تواضع شروع شد . کی حافظ قرآن بود ؟ ) – این تیکه رو حفظ نیستن . – این تیکه رو حفظ نیستن آره ! ..

میگه : فمن أسلم فؤلئک تحرو رشدا" . اونی که تسلیم شده دائما باید رشد کنه . و ما خلقت الجن و الإنس إلا لیعبدون کی ؟ امروز ؟ فردا؟ صبح ؟ بعد از ظهر؟ امروز عبادت کردیم فردا همین عبادت کافیه ؟ نخیر . من ساوا یوماه فهو مغبون . هرکس دو روزش مثل هم باشه ( من ساوا یوماه ) امروز و دیروزش مثل هم باشه فهو مغبون . این چیه ؟ زیانکاره . باخته. دو روز مثل هم باشه . رشد اصله ولی میگه تسلیم شدی باید رشد کنی . کی رشد بکنم ؟ دائما. دوروز مثل باشه به درد نمی خوره . نمی خواد . ینی ما امروزمون مثل دیروزمون بوده باختیم ؟ بدباختی اگه امروزت مثل دیروزت بوده . پس ما چیکار بکنیم ؟ در حال علم آموزی هستی ؟ آره . خدا رو شکر . همین که هر روز یه چیزی یاد می گیری یعنی امروزت از دیروزت یه پله اومدی جلوتر . اما گرفتاری وقتیه که این یادگرفتن هم یه جور ردجا زدن میشه . یه چیزی رو انسان یاد می گیره نه اورو به درستی می تونه استفاده بکنه نه می تونه به دیگران منتقل بکنه. این علم آموزی انسان رو از تساوی دو روزخارج .... . علمی که پشتش یه مابه ازایی باشه . حالا اگه علم دینه عمل باشه . اگه علم دیگری است یه ما به ازای بیرونی داشته باشه . یه خیری ازش ناشی بشه . رشد انسان اصله . در هیچ حالتی ( می رسیم جلوتر) هرجا که انسان بگه نشد ، گیر کردم ، مشکل بود ، اسلام قبول نمی کنه. میگه نه! حالا مثلا به ما اجازه بدید یه هفته اگه بشه مارشد نکنیم . یک ثانیه اجازه نمی ده تو درحال رشد نباشی . خب حالا ما چیکار کنیم ؟ اینجوری بخوایم رشد بکنیم که خیلی سخته . سخت نیست . إن شاءالله تو انسان کامل تو سطح دو می خونیم . آقا ما برای اینکه رشد بکنیم ، حالا سی سال از خدا چهل سال پنجاه سال عمر می گیریم یک سومش رو به خوابیم چقدرش هم که در حال اینم سرگرمی و تفریح و... بعد سر جمع حساب بکنن ما ما در طول عمرمون هم یکسال عبادت نداریم . تو انسان کامل به شما خواهم گفت ما چه کار بکنیم وقتی قیامت حساب می کنن میگن 823 سال عبادت داره . 823 سال ؟آره . ما 45 سال بیشتر تو دنیا نبودیم. باشه خب . من یه فرمول بهت یادمی دم تو تصاعدی عبادت کن . یعنی وقتی می ری اونجا بیست برابر عمرت برات چی نوشته باشن؟ عبادت و رشد نوشته باشند . آدم مؤمن زرنگ تو زندگیش جهت داره . بعد ...... المؤمن کیّس . کیّس فقط این نیستش که ... لذا ما زرنگیم فقط در مسائل اقتصادی . نه تو مسائل عبادی هم آدم باید زرنگ باشه. ایام ولادت حضرت زهرا سلام الله علیهاست . یه چیزی ازاون بزرگوار بگم . ضمن اینکه إن شاءالله پساپس بر شما مبارک باشه سالروز ولادت اون بزرگوار، یه سؤال دارم تو این کلاس چند تا فاطمه و زهرا و کوثر و محدثه و راضیه و.. تمام القاب حضرت زهرا س چند تا داریم ؟ دست هارو بگیرید بالا. به به .. الحمدلله الحمدلله اونهایی که نیستن دستهاشون رو بگیرن بالا یه چهار پنج نفر بیشتر نبودن . نه نمی خواد . عرض کنم که یه روایت داریم که حضرت زهرا سلام الله علیها می فرمایند که این رختخوابم رو انداخته بودم مثلا بخوابم . پیامبر اکرم صلوات الله علیه وارد شدند و گفتند فاطمه جان می خوای بخوابی ؟ گفتم بله . گفتن نخواب قبل از خواب یه کاری انجام بده . گفتم چی پدر جان . فرمودند قبل از اینکه بخوابی یه حج عمره بجا بیار یه قرآن ختم کن ، شفاعت پیامبران رو هم برای خودت بخر رضایت مؤمنین رو هم کسب کن . حضرت س فرمودند همه قبل از خواب انجام بشه ؟ حضرت فرمودند آره قبل از اینکه بخوابی. حضرت فرمودن آخه اینها که قبل از خواب نمی شه من بخوام استراحت بکنم وقت این کارها نیست . حضرت فرمودند چرا وقتش هست . چه جوری ؟ این چهارتا کاری که توصیه شده قبل از خواب انجام بدید یک دقیقه هم طول نمی کشه . حضرت فرمودند یه ختم قرآن کن . چه جوری ؟ سه بار سوره ی توحید رو بخون . سه تا قل هوالله بخون اندازه یه ختم قرآنه . این یک . دو ، شفاعت تمام پیامبران رو برای خودت بخر. چه جوری؟ با یک صلوات بر همه ی پیامبران . چه جوری؟ أللهم صلّ علی جمیع الأنبیاء و المرسلین . و بعد اگه گفتی مثلاً لاصیّما خاتم النّبیین گفتی نگفتی هم نگفتی . سه ، همه ی مؤمنین رو از خودت شاد کن . چه جوری ؟ أللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین والمسلمات. حالا دیگه تا بیننا و بینهمش هم نخوندی نخوندی . چهارم ، حج عمره هم می تونی بجا بیاری . سبحان الله والحمدلله و لا اله إلاّالله والله اکبر . اینهم یه بار بگو . مؤمن ، زرنگی مؤمن می بینی؟ سر جمعش چقدر میشه ؟ سه تا قل هوالله و یه أللهم اغفر و یه أاللهم صل علی .. و یه سبحان الله و الحمدللله. چقدر؟ یک دقیقه یک دقیقه و نیم بیشتر . هیچکدوم از ما اینطوری نیستیم مثلاً من می خوابم کلّم خورد به متکّا من بخوابم . طبیعتاً سرمون رو میگذاریم رو متکّا یه چند لحظه ای .. چند لحظه اینا رو بگو بعد بخواب . بعد همش اینجوری میکنه از کجا معلوم همه ی این ثوابهارو به ما دادن ؟ شما نمی خواد بخونی . من گمان دیگه ای کردم که اینو گفتم ،معذرت میخوام ، اشتباه کردم . خب، مؤمن دائماً در حال رشد .از هر فرصتی استفاده می کنه ، از هر جائیکه هست یه قدم بیاد جلو ، تازه با زرنگی . حضرت فرمودند : کی تو شماها همیشه روزه است ؟ هر شب هم تا صبح عبادت میکنه از اون طرف هم روزی یکبار ختم قرآن میکنه ؟ سلمان گفت : من . چند نفر گفتند : دروغ میگه . ما شب باهاش بودیم تا صبح خوابیده . روز باهاش بودیم غذا خورده . روزه نبوده از اون طرف هم روز باهاش بودیم ، صبح تا بعد از ظهر مشغول کار بوده ختم قرآن نکرده . حضرت فرمودند سلمان دروغ نمیگه . سلمان خودت بگو ، سلمان گفت :آقا شما مگه نفرمودید که هر کس که سه تا سوره توحید بخونه یه ختم قرآنه ، من روزا نه سه بار توحید رو میخونم ، دوم مگه نفرمودید اول و وسط و آخر ماه رو روزه بگیرید کل ماه واست روزه حساب میشه ، من روزه گرفتم . مگه نفرمودید هر کی با وضو بخوابه شب تا صبح براش عبادته . . . من شبها با وضو میخوابم . حضرت فرمودند : مؤ من یعنی این . علاوه بر اینکه سلمان سر کلاس پیامک نمی زد . یعنی یک پیامک سر کلاس میزد نمازش هم شاید و چه بسا . . . عرض کنم که اسلام رشد انسان رو اصل میدونه ، یعنی میخواد یه کاری کنه ما حرکت کنیم هزار جور بهانه هم به ما داده یه تکون بخوری این حرکت رو برات منظور می کنن . حالا کی حال داره تکون بخوره ؟هیچی . بشین بابا . دو ) اسلام دین واقع گراست . به چه معنا واقعگراست؟ اسلام میدونه که ما وقتی حرکت میکنیم مدافع ما رو ول نمیکنن. خاصیت دنیا اینه. دارٌ بالبلا ممنوعه. ممنوعه در زبان عربی،دوتا چیز رو که زینت الحیوه الدنیا .یه جاهایی مال گرفتاریه،یه جاهایی خانواده انسان گرفتاریه، یه جا پُست و جاه گرفتاریه.یه وقت میبینی طرف تو حال، طرف گیر گوشیشه حالا تو بیا اینو از گوشیش جدا کن ، موانع هست. اسلام اینو میدونسته این دوتا مقدمه رو داشته باشیدکه رشد اصله و اسلام به عنوان یک دین واقعگرا میدونه که ما یه جاهایی گیر خواهیم کرد.موانع سر راه ما خواهند بود. با این علم ببین اسلام چه کار میکنه؟

1)اسلام تسلیم ارادی در برابر مانع را نمی پذیرد . اینجا چی میخواد بگه؟ اگر کسی دچار سکون بشه رشد نکنه. بگیم چرا این اتفاق برات افتاد بگم مثلا ما دیدیم یه مانعی هست حرکت نکردیم. میگیم خوب نمی تونستی کاری بکنی؟ نه ما دیدیم مانع هست گفتیم چه کار داریم درگیر بشیم با مانع وایسادیم. به قرآن مراجعه کن. وقتی ما بمانع میرسیدیم یا ارادی مانع رو می پذیریم یا اینکه چاره ای نداریم غیر ارادیه.

قرآن میگه که إن الذين توفاهم الملائكة ظالمي انفسهم...خوب حواستون با منه قرآن میگه ملائکه ها میرسن میرن یه عده رو بگیرن ان الذین توفاهم الملائكة... که اینها چه کار کردن؟ظالمی انفسهم به خودشون ظلم کردند.اینهایی که به خودشون ظلم کردند،قالوا(کی؟) ملائک "فیم کنتم!"ملائک به اینها میگن شما در چه حالی بودید؟اینه اینطوری میگن:..قالوا انا کنا مستضعفین فی الارض...ما خیلی بد بخت بودیم ،بیچاره بودیم.همه عوامل مانع بود.اصلا ما نمیتونستیم حرکت کنیم... شروع میکنن بهانه های واهی و بچه گانه آوردن. ملائک به اینها میگن:قَالْوَاْ أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُواْ فِيهَا زمین خدا به این بزرگی . چرا هجرت نکردین؟برای چی حرکت نکردین از جاتون اینه بعد از اینکه این رو میگن آیه در انتها میگه:برای اینها عذاب الیم-------- یعنی اینها به ملائکه میگن ملائکه ببینین باور کنیدما یه جایی بودیم آنقدر ظلم بود،فشار بود،سختی بود ما خیلی دوست داشتیم آدم های خوبی باشیم ولی نشد.جان شما نشد.به قرآن،به جون مادر شما ملائک نشد.بعد ملائک میگن آره دیگه حالا شما اینو گفتین ما پذیرفتیم. ملائک میگن حرف نزنید.بگیرید-----(14:17)پرت کنید لهم عذاب الیم بهانه آب دوغ خیاری. انسان سر همه رو میتونه کلاه بذاره غیر از دو نفر یکی خودش دو خدا مثلا(14:41)واقعا من شرایط نداشتم والا خیلی زمینه های فراوونی در وجود من بود. همه به من میگفتن تو یه چیزی میشی.خب تو یه چیزی میشی.خب حالا سر من کلاه گذاشتن.بسیار خب خودت فکر کن.چرا هیچی نشدم من.یه کسی خم شد یه چیز سنگینی برداره هی زور زد دید نمیشه.گفت کجایی جوونی که یادت بخیر بلند شد دو و بر رو نگاه کرد دید کسی نیست گفت خودمونیم ها ما جوونیم خبری نبودیم.خودم که میدونم.حالا... واقعا بچه ها من خیلی در جوانی استعداد عجیب،عجیب،... ولی متاسفانه نذاشتن الان ایام نذاشته دیگه.نمیزارن آقا ما کار کنیم.نمیشه. فلان مانع درست میکنند... به زمین و زمان فحش میده خودش روموجه جلوه بده.چه مانعی سر راهت بود چی نداشتی ای آقا.امکانات دانشگاه کالیفرنیا کجا .ببین دانشگاه کالیفرنیا رو ول کن یه مقدار امکانات بهت دادیم چقدر استفده کردی ها؟اینترنت پر سرعت دانشگاه رو در اختیارت قرار گذاشتیم بری استفاده کنی.رفتی کجا؟خب من بیشتر سایت بارسلونا رو میرم چون به مسی خیلی علاقمندم واقعا که من برای تو و برای عمر تو برای مسی با هم متاسفم وقت تلف کنی ها...سایت شعر:روزی سه ساعت سایت شعر میره.من به شعر علاقمندم.بزرگوار:شعر الویت ماست واقعا؟آقا یعنی ما شاعر نیستیم؟اگه تو واقعا شاعری لا اقل دو تا بیت شعر از خودتتونستی ول کن برو سایت شعرم چک کن.روزی سه ساعت چهار..سایت عکس رو میرن نگاه میکنن.عکس های قشنگ بازیگر هارو.واقعا من فکر میکردم تو آدم با کلاسی هستی.

خیلی متاثر شدم. برای خودم که هم بحث من تویی.جسارت بهتون میشه؟آقا یه کم میشه. اهمیتی نداره.بذار بشه.خب وقت تلف کنی.1.اینترنت برای اینه؟یعنی باور بفرمایید به من میگن آقا برای یه موضوع مثلا در ارتباط با ارتباطات میان فرهنگی خرس های پاندای اطراف ارومیه یه سخنرانی کن یه سرچ میکنم به اندازه چهار تا مقاله علمی پژوهشی مطلب گیرم می یاد. یعنی یه اقیانوس بی انتهایی از مطلب آماده.16:39 حالا ما چه استفاده ای میکنیم!میزنیم،عکس کودکان وای چه عکسای قشنگی.بعد نگاه میکنم که بچه من این شکلی بشه.خب ببخشید این بچه پدر و مادر دیگه قیافش مثل حضرت عالی وزغ نبوده که این شکلی شده هی نگاه میکنه به این عکس ها روزی دو ساعت سه ساعت اینترنت تیغه دو لب ها!به راحتی عمر شما رو تلف میکنه به راحتی اونوقت میگن که چرا اینا مانعه.بعد اینجوری میکنه بله آقای----- شما میدونید اینترنت،اینترنت پر سرعت میدونی چیه؟اینا خودشون خیلی ایترنتین اینا اصلا ملائک پر سرعت اند. خب همه رو میدونند.از این دروغ ها رو برای ملائکه آماده نکن.عمرم تلف شد برای اینکه امکانات.....--- مقاله...لا مذهبا هی اومدن ما رو وسوسه کردن تو رو وسوسه کردن چرا اینو وسوسه نکردن اگر ذات اینها این بود همه باید مبتلا میشدن.بهانه نیار.تو خودت هم دلت میخواست این همه بهانه نیار.بی میل نبودی والا این امکانات برای همه بود. اگر کسی در مقابل مانع تسلیم بشه قبول نمیکنند ازش.حالا تو سر همه رو کلاه بذار.چرا معدلت اینجوری شده. آقا جان شما که میدونید من چقدر طالب علم بودم.متاسفانه توابع دانشگاه. این پسرای بی تربیت هی میان سر کلاس حواس ما رو پرت میکنند. خب پسر ها چرا حواس من یکی رو پرت نمیکنند. دیگه با همه آره با ما هم آره؟یعنی شما هم در جریان هستید؟آره دو سه بار از جلوی دانشگاه رد شدیم،تابلو ها رو دیدیم. تو چرا فکر میکنی من عقب مونده ذهنی ام . توجیه نکن.عدم رشد ارادی رو خدا نمی پذیره ها!من همینجوری شوخی و خنده و طنز گفتم. رد شدم. یه جایی ولی فکر کن به حرفم.خب اما اگر غیر ارادی بود ادامه آیه بعد میگه:الا مستضعفین من الرجال و النساء و الولدان لا یستطیعون حیله اما اون مرد ها و زنها و بچه هایی که واقعا این ها چی؟هیچ چاره ای نداشتن. یه دختری بود تو یه خونواده ای واقعا دوست داشته یه جور دیگه باشه اما نتونسته. تا موقعی که تو خونه پدر بوده چیکار میتونه بکنه؟

بالاخره این خونه زندگی اینه. اینم تو این خونه گیر افتادهه. دلش با کارهای اینا نیست. واقعا دوست نداره قاطی بحث اینا بشه اما کاری نمی تونه بکنه دختره دیگه مثل پسر نیست حالا باز یه سری بالاخره فراغت بال و فراغت یدی داشته باشه اون مقداری که از عهدش خارجه قبول. اما یه جایی خودشم بله اونجایی که خودشم بله رو قبول نمی کنیم. مردها زنها و بچه هایی که چاره ای نداشتن گیر افتادن یه جایی از اینها قبول می کنیم. آیه بعد میگه که: عسی الله ان یعفو عنهم امید است که خدا اینها رو ببخشه اونی که گیر کرده. اما اونی که گیر نکرده اصلا انگار خودشم وقتی افتاد تو این فضا بدش نیمد. بدم نیاد تو این جور فضا بالاخره. حالا اما میرسیم ان شالله تو سیره اگه عمری باقی بود حالا ما تو یه بیابونی گیر کردیم از تشنگی داریم هلاک می شیم یه نفر از راه اومد گفت من یه مقدار شراب دارم خب ما از تشنگی داریم هلاک می شیم خب حالا آقا ما می تونیم بخوری؟ باید بخوریم. اما.................در حالی که داری می خوری چه حسی داری؟ خدایا توفیقی هست ها خلاصه ! نه این اصلا خوشحاله که داره می خوره. اگه اینجور باشه بعد چوب خوردن رو بهت می زنن ها چوب معصیته چوب خوردن رو می خوری. خب چه کار کنیم دیگه. حداقل کوفتمون بشه! خواهم گفت سه تا حالت داریم فقط تو یه حالتش می پذیریم. داری می خوری از ته دل ناراحتی که داری امر خدا رو زیر پا می ذاری از اینکه تو این حالت و اتفاق واقع شدی ناراحتی. اون موقع فقط گناهی نداری. و الا می خوری. چیه اونجوری نگاه می کنی خدا! خب چیکار کنم تشنمه. اینم نه. از ته دل باید ناراحت باشی. حالا افتادیم تو یه فضایی کاریش نمیشه کرد ما تو این فضایی که واقع شدیم راهی برای خروج نداریم دیگه حداقل از قلبت راضی نباش. ناراحتم اما کاری از دستم بر نمیاد. آقا پس چی کار باید بکنیم؟ شما میگی تسلیم ارادی رو نمی پذیریم اگر فقط گیر بکنیم و بدبخت بشیم و اینا.. بله..در حالت ارادی شما حق توقف در برار مانع رو نداری. آقا سخته. خب باشه بدبختی دار. محبوبیتم از بین میره گرفتار میشم. ببین جونت هم در بیادحق نداری در مقابل مانع کوتاه بیای. بگی حالا یه مانعی سر راهمه ما چی کار بکنیم؟ هیچی. یک- باید مانع رو برداری. خب چرا اول گفتید مانع رو بردارید مانع رو دور بزنیم. اول باید تلاش بکنی که مانع رو برداری چرا؟ چون اول جهاده اگه جهاد بکنی خیرش به کی میرسه؟ به همه. یه مانعی درست شده تو یه محله ای هستیم یه آدمی تمام محله رو ذله کرده خب باید بری سراغ این. اولین هدف ما باید اصلاح امر باشه باید این باشه که صورت میاله رو حل کنیم پاک نه! حل کنیم. ببین این مشکله از سر راه برداریم. هم آزادی ما تامین میشه هم آزادی دیگران. اول که ما مامورر به اصلاحیم حالا این اصلاح یه وقت هست از امر و نهی شروع میشه. بسم الله . امر و نهی جواب نمیده ما می ریم سراغ جهاد. این جهاد وظیفه کیه؟ وظیفه همه ماست. حتی خانم ها؟ حتی خانم ها. بله. روایت میگه که : ممن لم ...................(22:24) کسی که جهاد نکرده جنگی نکرده یعنی تا الان توفیقی برای جهاد در راه خدا پیدا نکرده و لم یّحَّدِث نَفسه و خودش را هم آماده نکرده به غزو یعنی تو دلش هم میل و علاقه و شوقی برای جهاد نداره ماتَ علی ............من النفاق. اگر بمیره منافق مرده. آقا خب ما گناه کردیم که جنگ تموم شد؟ نه گناه نکردی. سوال: الان توی دل تو واقعا این هست که اگر که ان شالله اسرائیل یه غلطی کرد زحمتی بکشی برای تغییر نقشه منطقه یه پاک کنی ورداری تو منطقه یه تغییراتی بدی. مثلا چندتا کلمه پاک کنی چندتا کلمه جدید بنویسی. حال داری؟ حال دارم. تمام وجودم. همین خوبه. بسم الله. جنگ صفین بود یه کسی اومد سراغ امیر المومنین (خب خیلی طول کشید جنگ) گفت آقا داداشم خیلی دوست داشت بیاد اصلا دلش با ما بود ولی نشد. حضرت فرمودند واقعا دوست داشت بیاد؟ گفت آره. حضرت فرمودند داداشت حتی اونایی که الان نیستن و اونهایی که در اصلابند (یعنی در صلب ها هستند) تا یوم القیامة هرکی دلش می خواستهتو این جنگ با ما باشه در ثواب این جنگ شریکه. آدم زرنگ می دونی یعنی چی؟ یعنی تا تقویم داری نگاه می کنی زده مثلا شهادت جناب عمار یاسر. عمار یاسر تو کدوم جنگ شهید شده؟ جنگ صفین. تو دلت الان این هست که کاش ما هم جنگ صفین بودیم؟ ما خانمیم. عیب نداره جزو اون خانم های امدادگری بودم که کمک می کردند، دوست داری جزو اونا بودی؟ ببخشید ها حالا ما اینو تو دل بگذرونیم این ما به ازا داره؟ منه خدا دارم میگم ما به ازا داره تو چی کار داری؟ نه حالا واقعا خدا میگه... نه واقعی اینکه ما نیت بکنیم. من دارم میگم بهت. منه خدا میگم تو اگه موقعی که می بینی از ته دل بگی من اگه بودم تو سپاه امیرالمومنین بودم بعد مثل احمق های خوارج اون جور حضرت رو به گرفتاری نمی انداختم. تو دلت این هست؟ تو شریکی. واقعا یه نیت شریکی؟ آره. چون انما الاعمال بالنیات. واقعا تو دلت این هست؟ آقا زر و یه جنگی شد، آقا شما همش حرف جنگ می زنی انگار... ما جنگ دوست نیستیم اما خب اگه کسی پاشو بذاره رو دممون یه مقدار به دممون حساسیم. این بالاخره علاقه مندیم بهش. خب چی کار کنیم؟ یه میلیه دیگه؟ و بعد هم یه اخلاق بدی ما داریم میگیم مثلا پاتو بذاری رو دمم پاتو قلم می کنم. ما یه اخلاق بدی داریم کلا از وسط می زنیم. یعنی میگیم پاتو بذاری رو دمم از بالای رون می زنیم. مثلا از وسط شکمت می زنیم. از وسط... اون پاشو گذاشته! کلا عادت ما اینه ما حداثر نگر هستیم اون ژنمون اینجوریه دست خودمونم نیست. خب؟ تو دلت این هست یا نه؟ یه موقع مثلا می گن اسرائیل ما رو تهدید کرده: اَمَن یّجیبُ ...حمله نکنه...مُضطراً ...کاری نداشته باشه. برای چی داری دعا می کنی؟ برای اینکه یه موقع... اگه بشه آمریکا جلوی اسرائیل رو بره بگیره. من در برابر این جواب بهتره سکوت کنم. یعنی واقعا با وجود تو...همین با وجود تو... تو دل ما باید حب جهاد باشه حب جهاد با جنگ طلبی فرق می کنه ها! خداایا یه کاری بکن اسرائیل زودتر به ما حمله بمنه، یه ختم صلوات برای حمله زودتر اسرائیل به ما. نه ما همچین کاری نمی کنیم. اما خب اگه حمله بکنه ما اصولا آدمهای اعصاب داری نیستیم آدم های بی اعصابی هستیم قاطی می کنیم یه باری. بعد اونوقت از اون سیستمی که یه کلنگ بزن بکن یه پروژه ای باید افتتاح بشه ما دیگه تا افتتاح می ریم. خب کلنگ! ما اینجورییم. یا با کسی درگیر نمی شیم یا وال به حال روزی که درگیر بشیم. پسرا میگن دعوا نکن میگیم خب ولی اگه دعوا می کنی دیگه تو دعوا فعل صرف نکن.چی می گی؟ من چی می گم؟ تو چی میگی؟ او چه می گوید؟ ما چه می گوییم؟ فعل صرف می کنی؟ میگن اول دعوا همین برو جلو یقه رو بگیر دَق با کله بزن تو صورتش. همون اول بفهمه که تو شوخی نداری. همون اول یه سیلی مشتی همچین حیدری بزن طرف همون اول بریزه به هم. ما دیگه حساب کار دستش میادو ما اینجورییم. حالا خوشبختانه متاسفانه نمی دونم. یه ژنی هست همینجوری منتقل شده نسل ها مختلف..که ما عصاب نداریم. تو دلت این هست یا نه. خداوکیلی یه وقت میگن آقا.. بعد اون وقت این آمادگی باری چیه.. امام زمان عج اومد. یالا راه بیفتین. بعضی ها اینجوری می کنن: آه امام زمان اومدی آخ جون کارها رو درست تو رو خدا ما خیلی منتظر بودیم. خسته نباشید. آسیب نبینید. این ماست دراز کشید.27:02 می کنید امام زمان بیاد اول بدبختیه. بارو بندیل و وسایل رو بردار. یا علی. کجا؟ باید بریم بجنگیم یه جایی جنگ سخت. یه جایی جنگ نرم. خب من امام زمان اومدن من یه 5-6 هزار تا آدم می خوام دین شناس می خوام که برن معرفی بکنن دین رو. جذابیت های اسلام رو بگن مردم متوجه بشن. آدم می خوام. آقا به ما نگاه اکنین. ما شرمنده میشیم. حالا باز بگیم که... حالا اولویت ما چیه؟ آقا شما الان دارید برای ظهور زمان تعیین می کنید؟ نه! من چیکارم که زمان تعیین کنم. اما ما مامور به اینیم که هر لحظه منتظر باشیم و آماده. منتظر یعنی... بریم، بریم. آقا پس یه دیقه من زنگ بزنم! نه دیگه به درد نمی خوری. خب زنگ بزنم به خانواده اطلاع بدم مگه خانوادت نمی دونن تو منتظری هر لحظه احتمال داره بری.آها ! یعنی ما اونجوری باید آماده باشیم؟ آره. یعنی اگر هر لحظه نرفتی بگن یه اتفاقی افتاده هرچند که اتفاقی بیفته همه مطلع می شن. می خوام بگن اینجوری آماده بودن توی شناخت دین برای اینکه ان شالله به امام زمان کمک بکنیم.. حضرت بگن برو فلان جا مردم سوال دارن درباره دین برو توضیح بده. دوم می گن آزادی چه جوریه؟ اسلام به ما آزادی میده؟ برو بگو اسلام اومده شما رو به بهترین نحو آزاد بکنه. "لیضیع عنهم اصولهم و الاغلال التی کانت علیهم" اصلا دین اومده تمام غل و زنجیر ها رو ور داره. شما آزاد بشید به این معنا که هیچی نتونه جلوی شما رو بگیره. شکم و جاه و مال و اینها رو ول کن. برای این اومده... آدم داره؟ بعد ما میگیم آقا شرمنده کارهای دیگر الان ندارید؟ حضرت می گن نه آدم می خوام که بره اسلام رو بشناسونه و اینجور هست ها. وقتی حضرت بیان یه عده ای از این صهیونیست های ملعون با یه عده ی معدودی مقاومت می کنن. عمده ی مردم دنیا خب مسیحی ها که بایددیدن حضرت عیسی ع میان، اهل سنت ملحق میشن خیلی از این دین های بودیسم و هندوایسم و اینهایی که به نوعی دین گریز و روحیه ی رهبانیت دارن اینا... یه معدودی وایمیستن جلوی امام زمان حضرت کار رو تموم میکنه. این کار تموم بشه تازه اوله کاره. اول کار چی؟ اول کار آشناسازی مردم دنیا با دین واقعی اسلام. حالا آدم می خوایم. آدم داریم؟ آقا ما پزشکی هستیم اون قسمت پرستاری اینها کمک می کنیم. حضرت می گن خب جنگ تموم شده کسی مجروح نمیشه که کمک بدی برای پرستاری. من دین شناس می خوام. حالا ما واقعی؟ یعنی واقعا مثلا دین شناس می خوایم؟ به دور و برتون نگاه کنید. اصلا نمی خواد روایت بهت بدم بحث عقلی باهات می کنم. میگن امام زمان اومد دنیا رو گرفت مردم فرانسه و اتریش و آفریقا و ... نمیدونم اروپا اینا چه جوری می خوان آشنا بشن با اسلام؟ اصلا حضرت وایسه یه جا بگه مردم دنیا همه صدای منو دارید؟ میگن بله. آزادی این نیستش. "ادخلوا بیوت من ابوابها" کارها باید از مسیر خودش انجام بشه. ما امام زمان بیاد آدم می خوایم دین رو معرفی کنه. بعد میگه آقا ضرورت این بحث ها چیه؟ هیچی اصلا ببخشید من اصلا همش اشتباه می کنم با شما حرف می زنم به من میگه ضرورت این بحث ها چیه؟ ضرورت خاصی نداره. گفتیم دور هم باشیم یه حرفی هم حالا بزنیم دیگه. گفتیم این حرفا رو بزنیم.

ما وقتی به مانع می خوریم وظیفه اولمون جهاده. آقا تو دانشگاه گرفتاری داریم اصلا یه فضایی یه عده درست کردن دانشگاه رو بت جای دیگه اشتباه گرفتن. بسم الله..مانع رو برطرف کنید. یه عده از پسرها هستن خیلی بی تربیت اند سر کلاس میان استاد نیاد درس بده مدام یه دختر که میاد سوال کنه سلامتیش صلوات... فلان بهمان.. چیکار کنیم؟ این مانع رو با شدت از سر راه بردارید. ولی با تدبیر. بابا نمیشه. اینا پسرن پروون مگه بی حساب کتاب مملکت؟ دست به دست هم بدید چه جوری میشه یه کاری کرد اینها رو میتهجن کرد؟ اول با ادب و احترام و امر و نهی. تو کتشون نرفت لهشون می کنیم. مانع رو بردار.... بعدی هم راحت باشن. چن اینها می تونن چندتا نسل رو تو دانشگاه ذله بکنن. اول ما مامور به جهادیم اینکه مانع رو از سر راه برداریم. نشد. آقا زور ما نمی رسه. یعنی اینکه ما درگیر بشیم با محیط فساد آور برای اینکه ایمان خودمون و دیگران رو حفظ بکنیم............31:00 یه جایی زور ما نمیرسه. زور پیغمبر تو مکه نمی رسید حالا باید چی کار کنیم؟ حالا که نمی تونیم مانع رو برداریم باید مانع رو دور بزنیم. مانع رو دور بزنیم یعنی از محیط فاسد و فسادآوری که نمی تونیم باهاش درگیر بشیم و از بینش ببریم. حداقل چی بشیم؟ دور بشیم. آقا ما اومدیم توی این محله، محله خوبیه یعنی مثلا میگن یه بزرگراه می خواد از کنارش رد بشه میگن ترقی می کنه و اینها اونو می دونم گیر من چیه؟ یه آدمهایی تو محل ساکنن ما زا وقتی اومدیم پسر و دختر انگار خیلی تحت تاثیر قرار گرفتن یعنی اصلا کلا هر چی ما قبلا رشتیم پنبه شد. خب عوض کنیم خونه رو. آخه این محل این خونه خیلی اکازیونه واقعا. مثلا ما الان اینجا رو 300میلیون خریدیم یه 80 متری یه 6ماه صبر کنیم اینجا حداقل 600 میلیون میشه. بسیار خوب تو این شش ماه برای ایمان بچه هات چه اتفاقی میفته؟ حالا خب بعد از اینکه از این محل رفتیم سعی می کنیم با کارهای جبرانی و اینها درست بکنیم. ایمانه! کلاس فیزیک و زیست نیستش که بعد بخوای ............. بندازی قربون شما. ما اینجا بمونیم دینمون پر! نه حالا این هجرت ماله صدر اسلام بوده مثلا یه عده از مکه رفتن حبشه. حضرت علی ع در مورد هجرت چه می فرمایند؟ می فرمایند: الهجرة قائمةٌ علی حدّهِ الاول. الهجرة قائمةٌ یعنی برپاست (خب هحرت مونثه میشه قائمةٌ) علی حدها، حد در زبان عربی یکی از تعریف هایش مرزه. یکی از تعریف هایش یعنی تعریف یکی از معانیش. حد یعنی تدیف. "هجرت بر همان تعریف اولیه خودش پابرجاست" یعنی چی؟ یعنی دو هزار سال هم که بگذره همچنان اگه ما جایی گرفتار بشیم و نتونیم اون مانع رو از سر راه بردازیم موظفیم مثل صدر اسلام از محیط فسادآور دور بشیم هجرت بکنیم. آقا یعنی الان مثلا هجرت راهکاره؟ بله. هجرت راهکاره. ما توی یه ساختمون افتادیم تمام اهالی ساختمون زندگی مسالمت آمیز دارن با حیوانات وحشی و غیر وحشی یعنی آدم نمی دونه تو این خونه بالا و پاین میره دست به کجا بزنه به کجا نزنه. همه اهل نگهداری و فلان و اینها حالا یا از سر جهالت یا از لج بازی بالاخره. خب تو این ساختمون با این وضعیت خانمها و آقایون با این رفت و آمد این بچه ها چه. بعد تو محله مثلا ارمنی ها. خب بچه من با این همسایه های ارمنی رفت و آمد داره می بینه پدر خودش یه آدمیه با یه زندگیه معمولی، خونه ارمنی ها که میره چه برو بیایی دارن چه ثروتی چه بریز بپاشی. خب این بچه نمی تونه تشخیص بده که بابا بین اون ثروت و اون ارمنی بودن و این بحث های اعتقادی چه ارتباطی برقراره. اون میگه ارمنی یعنی رفاه مسلمون یعنی عدم رفاه. خب بعد چه اتفاقی میفته یه باری احساس می کنی بچت نسبت به آموزه های دین خودش شله نسبت به حرفای اونا علاقه مند. من از بچگی خیلی به این فکر می کردم که چقدر کریسمس باشکوه و 17 ربیع ما یخه! احساس کردی کارتون هایی که نشون میده از اون اسکروچ و اینها بودن نشون میداد تا چیزهای دیگه. یه نخلی و یه چراغونی و فلان...17ربیع میاد یخ. تولد پیغمبرص از این کاج ها می آوردن چراغ می زدن. ما واقعا نمی تونیم فکر کنیم که ولادت پیغمبرمون رو یه ذره شیک تر یعنی یه خاطره خوب ازش بمونه. هان؟ وقتی نیمه شعبان من خاطرم هست توی محله های اطراف ما یه جایی می اومدن یه سری جوونهای کوچه بزرگی بودن تهش بود 16 متر عرض می اومدن آخرش رو می بستن یه سن بزرگی. توی کوچه رم چراغونی می کردن شب نیمه شعبان برنامه برگزار می شد. اصلا نیمه شعبان برای خودش یه فاز بود. په اتفاقی می افته؟ این ماندگار شد تو ذهن ما. حالا ما نگاه می کنیم می بینیم تو اعیاد مذهبی ما جقدر شله. 13 روز عید رو تعطیل می کنیم عید غدیر یه روز تعطیله. اصلا بزرگداشت نداریم. با هیچی قاطیش نمیکنیم. حداکثر کاری که می کنیم تلویزیون یه چندتا خواننده رو ور میداره میاره بعشی هاشون که چه عرض بکنم واقعا به جهت صوت و اینها انسان رو می نوازن یعنی یاد تموم بدهی ها قبلی و بعدی می اندازن اون طرف هم فیلم های طنز می ذاریم. روزه نیمه شعبان... روز نیمه شعبان زور خندیدنه! شب نیمه شعبان شب احیاست نمی گم گریه بکنیم می خوام بگم شب مقدسیه. از شب نیمه شعبان از شب تا صبح 5-6 تا فیلم طنز دیدی، چی چی یک و فلان و اینا می ذارن. شب لورل هاردی روز نیمه شعبان . اصلا یارو انگار تلقی نداره نیمه شعبان یعنی چی؟ اون طرفش که آقا...از این طرف نیفتیم ها! همین 20 جمادی آقا به مداح ها چی گفتن؟ گفتن من بارها به مداح ها اعتراض کردم که چرا اعیاد اهل بیت رو تبدیل به روضه خونی می کنید؟ بارها اعتراض کردم که آقا روز ولادت اهل بیت شاد بخونید معلوم باشه. یه بار آقا فرمودن از رادیو آدم گوش می کنه نمی فهمه این الان کفه یا سینه است؟ از بس به هم شبیه. اما اینکه ما یه وقتی قاطی می شیم با یه فضایی نمی فهمیم یا خودمون رو به نفهمی می زنیم که اون فضا داره رو ما تاثیر می ذاره. بزرگوار شما اومدی به این دانشگاه رفتی تو این اتاق با این آدم ها معلومه رفتارت تحت تاثیر.......... من به هیچ وجه تحت تاثیر هیچ کس قرار نمی گیرم. حرف الک داری می زنی. من قائل به جبر محیط نیستم اسلام هم جبر محیط رو قبول نمیکنه. لذا میگه که: اِنَ الذینَ توفهم الملائکة ظالمی اَنفسهم قالوا فیم کنتم؟ اونا می گن: قالو انا کنا مستضعفین، قالول الم تکن ارض الله واسعة؟ جبر محیط قبول نیت. اما هیچ کس نمی تونه منکر شه که محیط بر ما تاثیر می گذاره. تو با چهار نفر هم اتاق شدی هیچ بهره ای از اهلاق ندارن این تاثیر نمی ذاره رو تو؟ شب و روز اونها مشغول یه رفتارهایی هسن هیچ تاثیری روی تو... بله ما رفتیم اینجا این تصویر و این صوت و این رفتار و هیچ تاصیری بر من نمی ذاره. ببخشید شما مجسمه ابوالهول هستین یا بخت النصر؟ مگه میشه تاثیر نذاره؟ اون کار خودش رو می کنه. ذره ذره. می دونید مثل چی؟ مثل اینکه ما نشستیم یه نفر اول مثلا با یه انگشتی می زنه سر زانوی ما یه ذره محکمتر می زنه بعد نمی دونم با یه دونه بطری آب می زنه بعد هی آروم می زنه این ذره ذره اعصاب سر زانو که اگه یه چیزی بهش می خوره می پرید حساسیت خودش رو از دست می ده. اصلا خودم هم نمی فهمم ها غیر ارادیه. تو فضای گناه که ما قرار می گیریم گناه تاثیر خودش رو بر ما... این نیستش که من اراده می کنم که از گناه تاثیر نپذیرم. عزیز من به اراده تو ربطی نداره اثر وضعی گناه رو تو. لذا انسان باید وقتی غیبت رو میشنوه مهم نیست که اراده بکنه بشنوه یا نشنوه وقتی غیبت رو میشنوی اثز خودش رو...علامه وارد یه اتاق شد (علامه طباطبایی) دیدن یه طیبه ای نشسته بهش گفتن تو این اتاق غیبت شده؟ اون گفتش که آره یه چندتا از این سال بالایی ها اومدن اینجا غیبت کسی رو کردن علامه فرمودن این اتاق رو عوض کن دیگه به درد درس خوندن نمی خوره...من نمی خوام بترسونم شما رو...پس هیچی دیگه این درس و بحث و ...ولی آب دریا را اگر تنوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید. من افتادم تو یه فضایی، این دانشگاه با این فضا منو داره می بره. دانشگاهم رو عوض می کنم. خب اون دانشگاه بری باید بیشتر بخونی که دکتری قبول شی. می خونم بیشتر. بیشتر می خونم ..اینجا من 3روز بمونم دین و آیینم کلا هوا می شه. تو این محل تو این مدرسه تو این فضا تو این جمع دوستان. ما تو جمع دوستان واقع می شیم فشار گروهی ما رو مجبور می کنه به یهکاری می کنه...ینی نثلا تو این ویژگی رو نداری؟ فلان جا نرفتی؟ این کار رو نکردی؟ از این مثلا امکان استفاده نکردی؟ نه. خانوادتون اُمُلن؟ آره مثلا. واقعا. بعد تو اینها واقع میشن می خوان که نیارن. برای اینکه کم نیارم چیکار کنم؟ اول از اینها بخور. اینا چیه؟ اینها اسمارتیزه. بسیار خوب. بعد این اسمارتیزها یه خاصیت هایی هم داره خب. بهش میگن قرص اکس. بخور تا بعد ببینی چی میشه. آدم تو این فضا برای اینکه کم نیاره....تاثیزش چیه؟ یه مقدار حالت پرواز بهت دست میده. خب خوبه دیگه مثل اون برادرهای رایت که پرواز می کردن ما یه پروازی می کنیم. عزیز من این پرواز اون پرواز نیست. این پرواز می ری رو بلندی وای می سی یه باری 15متر و 5 سانت می بینی خودت رو با کله می ندازی ان شالله سقط میشی. این اتفاق می افته برات. اقا ما تو یه فضایی افتادیم، آقا به ما میگن امل. بگن. چی میشه؟ نه انسان باید کاری بکنه که همه اونو به عنوان روشنفکر بشناسن. ببین یه جاهایی برای روشنفکر باید کارهای دیگه بکنیم ها یعنی یه موقع کارهایی است که کارهای مناسب نمی باشد. به چه قیمتی دوست داری به تو بگن روشنفکر؟ من خیلی علاقه مندم. همین من علاقه مند باشم. عقده حقارت داری تو خب اینها همه از من خوششون نیومد. خب نیومد. نه خوششون نیومدو خب نیومدو مجبور می کنی بگم به درک! خب به درک که خوششون نیومد. مگه من برای خوش اومد اینها کار می کنم؟ چقدر می ارزه خوشاین دیگران؟ اون قدری که ما از اصولمون کوتاه...می خوای با ما باشی یه کم اُپِن(open) تر باش. ببین open یعنی چی؟ یعنی با ما باش دیگه. با شما هستم دیگه یعنی بیشتر با ما باش. خب حالا بیشتر با شمام. نه یعنی ببین یه مقدار حالت ریلکسیت رو بیشتر کن. بیا. اصلا متوجه نمی شی شما آقا یه ذره الان اسنارتیز بخور. خب از اولش بگو چی مد نظرته. من از اونها نمی خورم. اگه نخوری تو جمع دوستان جایگاهی نداری. ببین یه حرف بد بزنم؟ آره. مرده شور تو و دوستان رو با هم ببرن. نم یخوام بیام تو جمعتون به هر قیمتی. چون آخه من می تونم اول اسمارتیز رو بخورم بعدش باید یه بسته قرص جوشان رو هم بخورم دیگه. همینجور قدم به قدم میاد. حد یقف نداره که. من این محفل رو ترک می کنم. آقا دوستان ناراحت می شن. خب بالاخره یه وقتی هم یه کمی ناراحتی لازمه. دیگه خوبه خوبش اینه. ما تسلیم اردای در برار مانع نمی شیم. مانع رو دیدیم اول جهاد، امر به معروف، جنگیدن، پاک کردن، حل کردن نشد دور می زنیم. همون تعریفی که از هجرت صدر اسلام بوده امروز هم هست. قائمةٌ علی صدها الاول. نگو هجرت مال صدر اسلام بود. هجرت مال امروز از این کوچه به اون کوچه. از اون مدرسه به اون مدرسه از اون دانشگاه به...از اون اتاق به اون اتاق از این خوابگاه به اون خوابگاه خیلی جاها هجرت گرفتاری داره برای ماها یعنی می خوایم خوابگاه رو عوض بکنیم مثلا این خوابگاه این جوریه هم مثلا تراس داشت هم تعدادمون کمتر بود هم بزرگتر بود. عیب نداره تو ت=اتاقت رو عوض می کنی با کی معامله می کنی؟ خدا. خدا اینجور که می گن خوش معاملست. یعنی یه چیزی می دی یه چیزی بهت...ولی یه چیزی می دی اون یه چیزی بهت می ده بعد اون چیزی که خدا میده جای همه چیزهایی که دادی رو...نه حالا از این اتاق بریم آخر این درستش هم خوبه. ببین خدا برکتش رو جای دیگه بهت می ده. میگه من میدم دیگه. دیگه من جاء بالحسنة (یه کار خوب بکنی) فلهو عشر امثالها ده برابر بهت می دم اما گرفتاری ما اینه: واقعا میده؟ خب خدا میگه. نه حالا باید بالاخره یه ضمانتی چیزی....حضرت ابئالفضل ع ضمانت می کنه برکت میده خدا؟ حضرت ابوالفضل بازم ضمانت میکنه. نه دیگه اگه حضرت ابوالفضل میگه میدم... دو) ببخشید استاد خیلی جاها تو هجرت پدر خانواده محل کارش 43:12

دوم. اسلام چون واقع گراست می داند آقا ما مانع رو برداشتیم ما مانع رو دور زدیم. اسلام چون واقع گراست می داند: 1. اگر مانع الان بالفعل نباشد بالقوه هست. آقا ما که الحمدلله داریم حرکت می کنیم مانعی هم نیست. ببین الان مانع نسیت اما امکان نداره تو بتونی تا آخر بری و به مانعی برخورد....اصلا ذات این دنیا مانعه. شما بری جلو حتما موانع میان سراغت. حتما میان. رد خور هم......پیغمبر که پیغمبره مانع داره. منو تو که جای خود داریم. همه با مانع مواجه می شن. چون اسلامواقع گراست می داند که مانع بالفعل نباشد، بالقوه هست.

2. ما یه جایی به مانع می رسیم مانع رو دور می زنیم.میریم. دوباره مانع سر راه ما سبز میشه. اینجا چی؟ نتیجه این میشه ضرورت آمادگی همه جانبه برای برخورد با مانع. شما به عنوان یک مسلمان باید نگاه کنی به دینت که یک دین واقع گراست. به تو گفته میشه باید خودت را برای برخورد با موانع احتمالی آماده نگه داری ولو اینکه در حال حاضر مانع خاصی سر راه تو وجود نداره. ولو اینکه تو ردیف های آخر هستی و فمر می کنی که کسی تو رو نمی بینه ولی با کناریت صحبت نکنی. ولو اینکه این جوری فکر کنی که اشتباه فکر می کنی. چون ما همه جارو می بینیم. 46:00تا 47:43 سوال بچه ها

حالا اینجا می گیم ضرورت آمادگی همه جانبه. یعنی شما گول امروز رو نخور که خداروشکر ما وارد دانشگاه شدیم هیچ مانعی نیست الان مانعی نیست بذار یک ترم بگذره از اون طرف یه مانع رو دور زدیم خدارو شکر تموم شد. ببین این مانعی که دور زدی می پره دو مرتبه سر راه تو با یه سبک جدید با یه به روز رسانی به یه ورزن نو دوباره چی میشه؟ سر رااه تو سبز میشه و...همیشه ها. اینجا معتی اون روایتی که خوندم معلوم میشه که کسی جهاد نکرده باشه و در دلش هم آرزوی جهاد نداشته باشه. آقا ما خب قطعنامه قبول شد و الان هم با کشوری جنگ نداریم. الان با کشوری جنگ نداریم فرض کنیم فردا جنگ شد. آماده هستی؟ آیا این آمادگی همه جانبه برای برخورد با مانع چه حذفش و چه دور زدنش در وجود ما هست یا نه؟ آقا چهار تا هجرت و جهاد. هجرت درونی و بیرونی و جهاد درونی و بیرونی. رابطه این چهارتا با هم چیه؟ رابطه اینها با هم....شاید بعضی شون با هم ارتباط داشته باشن اینها رابطشون با هم اینجوریه. هجرت درونی و بیرونی با هم ارتباط دارن جهاد درونی و بیرونی هم با هم. جهاد درونی و بیرونی با هجرت درونی و بیرونی ضربدری با هم ارتباط دارن. آقا چه جوری میشه این همه ارتباط؟ ارتباطشون این جوره: شما وقتی که میگی هجرت درونی و جهاد درونی به کدوم آزادی دارید اشاره می کنید؟ آزادی معنوی. هجرت درونی یعنی چی؟ هجرت از سیئات. جهاد درونی یعنی چی؟ جهاد اکبر و جهاد با نفس. خب این دو تا چیه؟ آزادی معنویه دیگه. هجرت درونی و جها بیرونی یه وجود آورنده آزادی معنوی اند. ما از گناه از عادات سخیف، از تعصبات کورکورانه از این ها دور می شیم. هجرت درونی و جهاد درونی یه چیزند خب. هجرت بیرونی و جهاد بیرونی نماد چی اند؟ نماد آزادی اجتماعی اند. ما با هجرت بیرونی از مانعی که برای آزادی مون ایجاد شده رد می شیم. با جهاد بیرونی چیگار می کنیم؟ مانع رو بر می داریم. یعنی با هجرت بیرونی خودمون و خانوادمون رو نجان می دیم و با جهاد بیرونی خودمون، خانوادمون و جامعه رو و دیگران رو نجات می دیم. هجرت بیرونی و جهاد بیرونی نماد آزادی اجتماعی اند. خب. حالا هجرت درونی و جهاد درونی که جهاد با نفس اند، کسی جهاد با نفس نکرده باشه نه عرضه هجرت بیرونی رو داره نه توفیق جهاد بیرونی رو. من یک فیبت رو نمی تونم بذارم کنار بعد من به خاطر خدا از این محل هجرت می کنم. من نمی تونم زبونم رو کنترل کنم به دیگران نیش و کنایه نزنم بعد من می تونم برم جهاد در راه خدا بکنم و شمشیر دست بگیرم؟ پس اون دوتا رابطه مستقیم دارن بر اینها. از این طرف وقتی انسان هجرت بیرونی میکنه و از محیط گناه می ره زمینه برای هجرت درونی و جهاد درونی هم فراهم میشه. از محیط گناه که رفتی جهاد با نفس برات آسون تر میشه. از اون ور با جهاد بیرونی ما دشکنی رو از بین می بریم که اون دشمن جهاد نفس ما رو سفت می کرد. دشمنی که زمینه ساز گناه بود ما با جهاد بیرونی اونو از بین می بریم تا زمینه جهاد درونی و هجرت درونی فراهم بشه. خب هجرت بیرونی با جهاد بیرونی چه ارتباطی داره؟ گاهی ما جهاد می کنیم زمینه و مانعی ای رو از بین می بریم که باعث هجرت میشه گاهی اوقات هجرت می کنیم که لذا این چهارتا همون مقدار که آزادی معنوی و اجتماعی در هم تنیده هستن، این چهار تا هم در هم ارتباط پیدا می کنن. هرکدوم عامل و زمینه ساز دیگریه. آقا این حرفی که زدید مویدی هم داره؟ به قرآن مراجعه کنیم، قرآن میگه: وَ مَن یَخرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله. وقتی میگه یخرج من بیته یعنی چی کار کرده؟ هجرت کرده هجرت بیرونی. این هجرت بیرونی می تونه برای جهاد باشه می تونه چی باشه برای همین دوری از محیط گناه باشه. و من یخرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله....حالا این کسی که خارج میشه هدفش باید چی باشه؟ خدا و رسول باشن. هجرت و جهاد درونی هم کرده باشد و الا و من یخرج من بیته مهاجراً الی مال الی مدرک الی جاه الی امرأةٍ . این هجرت کرده ولی این هجرت الی الله وو رسوله نیست از جهاد درونی و هجرت درونی دوش وجود نداره معلومه.

نمونه دوم) جاهدوا. جهاد کنید. جهاد بیرونی .فی سبیل الله باید درونی.و الا جاهدوا فی سبیل الطاغوت . جنگ شد یه کسی از مدینه بلند شد اوند سمت جنگ احد جنگید و همچین جنگ شایانی هم کرد و بعد هم آسیب دید. آسیب دید و افتاد و در حال جون دادن. به پیغمبر گفتن آقا یک سری هم به این بزنید. حضرت تحویل نگرفتن. رفتن بالا سر گفتن تو برای چی اومدی جنگ؟ گفت آره این مکه ای های لامذهب حمله کردن به مدینه ای ها، همشهری هام در خطر بودن ما اومدیم یه..... این کشته ی چیه؟ تعصب قومی قبیله ای. یه مورد دیگه هم بتز تو همین جنگ احد داریم به حضرت گفتن آقا این فلانی آسیب دیده حضرت تحویل نگرفتن. رفتن بالا سرش گفتن تو برای چی اومدی جنگ؟ گفت یکی ازاین مکه ای ها لامذهب یه چارپای خوبی داشت ما اومدیم اینو غنیمت بگیریم نامرد زد ما رو کشت. معروف شد به قتیل الحمار. قتیل یعنی مقتول. یعنی کشته شده چهارپا. ایشون در راه چهارپا کشته شدن. لذا ما جاهدو فی سبیل چی؟ ما ببینید روایت داریم: من کان هجرته ال الله و رسوله فهجرته الی الله و رسوله. کسی اگر خارج بشه به سمت خدا و رسول هجرتش واقعا به سمت خدا و رسوله. در ادمه میگه و من کانت هجرته الی مالٍ یصیبه ام امراةٍ یصیبها فهجرته ما هجر الیه. اما کسی که به سمت یه مالی هجرت میکنه به همون مال میرسه. به سمت یع زنی هجرت می کنه به همون میرسه. اینجا فهجرته الی ما هجر الیه هجرت این به سمت همون چیزیه که به سمتش رفت نه به سمت خدا. البته اینکه می رسه هم باید ببینیم خدا می خواد یا نمی خواد یه کاروانی رد می شدن از یک بیابونی گفتن تو این منطقه بیابون یک قبیله ای هستن یک زنی هست که به جهت زیبایی زبانزده. این تخصصش اینه که مارگزیدگی رو درمان می کنه. یک پسر هوسرانی هم توی این کاروان بود گفت به یک بهانه ای ما باید بریم این زن رو ببینیم، یه چوبی رو ور داشت پای خودش رو با چوب یه خراشی داد گفت می رم پیشش به اسم مارگزیدگی تا ببینمش و بالاخره لذت ببریم. پای خودش رو با یه چوبی خراش داد و زخم کرد و بردنش پیش اون زن. بردن این وارد که شد اصلا مبهوت قیافه ی اون زن شد. دختره نگاه کرد و گفت این جای مارگزیدگی نیست این با یک وسیله ای که آغشته به ادرار مار بوده زخم شده و ادرار مار وارد خون این فرد شده و راه علاج نداره و چند ساعت دیگه می میره. یارو داشت زن رو نگاه می کرد یه باری به خودش اومد گفت چی شده؟ گفت هیچ چی. اون وسیله ای که این زخم رو باهاش ایجاد شده آغشته بوده به ادرار مار و حالا وارد خون شده و چند ساعت دیگه می میره یارو صبح نشد مرد. این خسرالدنیا و الآخرة به این می گن. یعنی خدا نخواد اون هم محقق نمی شه ها! آقا ما هجرت کردیم به سمت مال، ببین مراقب باش هجرتت الی الله باشه و الا ....ما مهاجریم. آقا من کان هجرته الی (بگیم) مدرک! واقعا؟ آره. یعنی من حاضرم هر کاری بکنم، تقلب بکنم.... پشت هم اندازی بکنه..کلک بزنم50:40 خودم رو داشته باشم به بقیه دروغ بگم، ندرک رو بگیرم شاگرد اول دانشگاه. تو هجرتت به سمتت مدرکه! حالا یا خدا میده یا یه جایی حالتو می گیره همون هم....ما روایت داریم کسانی که نماز تموم مسه تسبیحات نمی گن می روند، می پره، انگار که روی آتشفشان نشسته. بسیار خوب شما که بلند شدی از اینجا رفتی اتفاقی که برات می افته اینه خدا میگه ملائکه دنبال هر چی رفته بهش ندید. تو دنبال چی رفتی؟ رفتم در مغازه رو باز کنم چهارتا مشتری بیاد. تا ده دقیقه مشتری نمی فرستم. همیشه من این موقع می اومدم هفت هشت تا مشتری منتظر بودن، نمیدم مشتری نمیدم. به سمت یه چیزی بری همون رو بهت نمیدم. اینکه هجرت ما به سمتی باشد. هجرت ما برای چی باشه. برای علم. یه سوال عرضم تمام. آقا ببخشید هجرت برای علم، هجرت کی اتفاق می افتاد؟ وقتیکه یه مانع در کار بود، حالا ما برای علم اومدیم چه مانعی در کاره؟ ما اومدیم علم آموزی بکنیم مگه مانعی سر راه ماست که ما باید اون مانع رو دور بزنیم تا برسیم. ببینید یک سری موانع موانع سخت اند که خب مرسوم اند: تهاجم نظامی می کنن به یک جایی و با اونها برخورد می کنن. نمی دونم یه جایی مثلا تهاجم اقتصادی می کنن یه جایی... یه جایی.... یه جایی هم تهاجم فرهنگی می کنن. متنع فرهنگی درست می کنن. گاری که اتفاق می افته که ما هجرت نکنیم چیه؟ مانع فرهنگی.

مانع فرهنگی چیه؟ خواست دشمن بعد از انقلاب تو کشور ما این بوده، هست و بعد از این هم خواهد بود. اینه که جامعه جوان ما به سمت علم نره. حالا با چه بهانه هایی؟ یه سری بهانه ها خیلی رو و رسواست مثل این که بچه های ما رو شهید می کنن. این اوج شادی برای ما باید باشه. چون تو دعوا اونی فحش می ده که کتک خورده وقتی که اقدام به حذف فیزیکی یه دانشمند می کنن یعنی اوج استهجان اوج فضاحت. یعنی کاری نمی تونی بکنی میای می کشی. یعنی تو رو ور می دارم، تو دیگه نباشی. ای خاک بر سرت بکنن. یعنی این روش مبارزته؟ با علم با تفنگ برخورد می کنی؟ بگذریم از اینکه بله ما عزیزانی از دست دادیم و انسان وقتی بچه های اینها رو می بینه واقعا این علی احمدی روشن یا آرمیتا روآدم می بینه یک لحظه تمام وجود آدم رو غصه می گیره. این بچه کوچولو با چه وضعیتی می خواد بزرگ بشه. هرچقدر هم که بالاخره عنایت آقا و جاهای دیگه... اما بالاخره حرف اینه که این بچه پدرش رو از دست داد. این یک مانع خیلی رسواست یعنی صحلت کردن در مورد این به نظرم یه چیزی می خواد یه حال چندش آوری می خواد که بحث بکنی یه دانشمند رو بکشم اون رو از سر راه ورداریم. اگر توی دنیا برید سراغ آدم های اندیشمند بگید یه کاری رذیلانه تر از این نشون بدید که دانشمند یک کشوری رو بکشن، کاری رذیلانه تر از این ما نداریم. این اصلا هیچی. من در مورد این بحث نمی کنم چون وقتی دانشمند ها شهید میشن آدم میگه که خیلی حقیری که با کشتن می خوای جلوی ما رو بگیری. البته اونم خب اثرش معلومه اینکه چه تعداد دانشجو بغد از این اتفاقها میان درخواست تغییر رشته به رشته های فیزیک هسته ای می دن همین بسه. اصلا ما نیازی به جواب دیگه ای نداریم. اما مانع دشمن چیه؟ اون مانع های دیگه که کمتر رسوتن بگم. آقا شما نمی تونی...ما بررسی کردیم، ایرانی جماعت ضریب هوشی ش پایینه، مردمان خنگین. 60:20 ما وارد دانشگاه می شیم تولیدی نمی تونید انجام بدید هر چند اون طرف، شما برای چی تولید..... شما نفتتون رو بدید ما هرچی لازم دارید بهتون می دیم. اون طرف مثلا اینهمه پیشرفت کرده تعامل می کنی، اینها دانشجوهای مختلفن. ببخشید آقا ما یه سوال از شما بپرسیم؟ ابوعلی سینا بابا بزرگ اوباماست؟ و این چیزهایی که در موردش می گفتن و اینها؟ ما اگه می خواید صادقانه بدونید معلومه. الان هم یه 200-300 سال ما رو عقب نگه داشتین 34ساله تمام دنیا جمع شدن ما پیشرفت نکنیم طبق آمارهای خودشون ما الان رشد غلمی مون چند برابر؟ 11برابر. خودشون دارن اعلام می کنن تولید علم در ایران یازده برابر متوسط دنیاست. یه چهار روز وقت بدید. تمام تلاش دشمن برای اینه که مانع فرهنگی... گفتم مانع نظامی و اینها خیلی سخیف تر از ائنیه که من بخوام در موردش بحث کنم. تمتم تلاش اینه به تو بقبولونن که : از تو بر نمیا. حالا شما بیا، لیسانس، فوق لیسانس. اگه جوون ایرانی مثلا می تونه تو یه بحث پزشکی حرف بزنه؟ نیازی به حرف نداریم.

توریسم پزشکی در ایرانالان وضعش چه جوریه؟ تازه با این محدودیت هایی که برای بحث سلول های بنیادی هست. صبر کنید یه ذره. آقا تو حوزه علوم انسانی شما اندیشمند داری؟ حرفی نیست. اندیشمند هاتون رو بفرستین ما هم اندیشمندهامون میان. ببینم کدوم می تونن حرف خودشون رو به کرسی بنشونن و استدلال بکنن. خب. یه وقتی این دانشجوهای خارجی میان، مثلا یه باری یه دانشجوی فرانسوی اومده بود که پایان نامه اش رو بنویسه پایان نامه رساله دکتریش رو، یه موضع تلفیقی گرفته بود. واقعا نگاه می کردم، دانشجو ...بچه خیلی خوبی هم بود ها. بچه های ما گجا این کجا. یه موقع سرکلاس کارشناسی، ارشد و هیچی، کارشناسی، دانشجو یه چیز می گه، دو روز من همینجوری تو هوام. تو لیسانس به چی دقت کرد. تاکسی یه سری بحث حقوقی بی ربط می کنی. یه بحثی در مورد سازکار تعامل زد و جامعه تو قانون گذاری میگه، دو روز من فکر می کنم که این بچه چی فهمیده. شهید مطهری خونده بحث جامعه و تاریخ، ترم مثلا سه. بعد اینجوری می کنه شما نمی....بعضی ها تو این المپیادهای علمی اینهایی ک مقام میارن اینها چین؟ نه. اونها حفظیه. آقا شما می فرماییدملاک علیت چیه؟ ما تولید علم می کنیم می گید نه، مقاله می دیم می گید نه، پیشرفت های این تیپی می کنیم می گید نه، جزء چندتا کشوری هستیم که توی فضای، توی انرژی هسته ای توی....نه. ت.ی المپیادها...میشه بفرمایید علامت رشد علمی چیه ما همونو کسب بکنیم؟ علامت رشد علمی اینکه چشم ها آبی و موها بور باشه. خب کاری نداره. دوتا لنز با یه ذره رنگ مو اونهم انجام میدیم کاری نداره که . اگه واقعا اینه... مانع فرهنگی می دونی یعنی چی؟ یعنی اینکه همه، تمام خطر دشمن اینه که شما به یک، دو، سه، چهار. صد تا دلیل، نمی توانی پس نیایید.

هجرت ما چیه؟ هجرت اینه که این موانع به ظاهر گنده ای که اونها درست کردن و به نظر من ازیه دونه ارزن هم کوچکتره، پامونو بذاریم روش خورد کنیم رد شیم. هم خودمون رد شیم و هم برسیم به اون جایی که باید برسیم هم دیگران رو برسونیم. اینکه آقا میگن روحیه امید در کشور .... بعضی ها اینجوری میکنن چه امیدی؟ امید به چی؟ خیلی نامردن بعضی ها. خیلی نامردن. این همه حرکت و رشد و فلان......

زمان شاه اینقدر گوشت می گرفتیم کباب میکردیم حالا چقدر گوشت می تونیم بگیریم. ایشون تمام انسانیت و عزت و شرافت رو در چی میبینه؟ تو یه تیکه گوشت یعنی به این گوشت بده بخوره.

آقا بعد مثلا ناموس و عزت و شرف و شخصیت و عزت و اینها چی میشن؟ مهم نیستن. گوشت رو بدین ما بخوریم . آقا بیا در خونه ما یه گوسفند زنده بهت بدیم. همینطوری قورت بدی. با پوستش . گوشت بخوری .

ما شیعه پیمبرین؟ پیغمبر تو شعب ابی طالب دارد که یه خرما یه هسته خرما گرفتن مک می زدن می گفتن بیا نفر بعد. هسته خرما . ما شیعه پیغمبریم؟ امام حسین ع تو کربلا گریه کرد آب و غذا نداشت. ما شیعه امام حسین یم؟ که اگه بین خوراک و عزت، خوراک و شرافت، خوراک و ناموس گیر بکنیم؛ اگه ممکنه اون خوراک زحمت شو بکشید بقیش حالا. ناموس بالاخره رفت باز می آد. شرف رفت میاد ، عزت رفت میاد. بابا این خوراک ، این معده بهش خاک رو هم بدی میخوره میگه دستت درد نکنه. با یه کم نمک و سس بهش بزن. این چه حرفیه. هجرت برای علم، جمع بکنم، خواست دشمن اینه که ما حرکت نکنیم. هجرت برای علم و به سمت علم اینه. از خونمون از اینکه از افسریه راه افتادیم از شهید محلاتی تو تهران اومدیم یا از این بوشهر و مشهد و تبریز و زاهدان اومدیم. اینه که ما به این مانع فرهنگی ای که دشمن درست کرده توجه نمی کنیم. تمام تلاش دشمن اینه که بگه شما نمی تونید، تمام تلاش امام و بعد آقا اینه که بگن ما می تونیم. اما اینکه حالا ما می تونیم یانمی تونیم بذارید تو بحث های مختلف مثالهایی عرض خواهم کرد تا اینکه معلوم بشه کلفتی گردن ما در چه است.